

حسینه و آره‌ها ۱۲۱

از کودکی با «یا خدین» در دلمان حسینه ساختم



حکایت زینب علیها السلام
بانوی مظلوم و مقتدر



نویسنده: محسن عباسی ولدی

ناشر: آیین فطرت

مدیر هنری و طراح جلد: سید حسن موسی زاده

گرافیک: گروه هنری آیین فطرت

ویراستار و مشاور ادبی: زهیر توگی

اینطابناشر و هماهنگی پخش: ۰۹۱۰۵۸۵۶۳۱۱

لیت: قیام و صحافی: عمران

نوبت چاپ: / تابستان ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۷۵۰۰۰ تومان

با ورود به سایت زیر و خرید اینترنتی

یا ارسال نام کتاب به سامانه پیامکی

کتاب رادرب منزل تحویل بگیرید.

www.ketabefetrat.com

سامانه پیامکی: ۰۳۰۰۱۵۱۵۱۰

کلیه حقوق محفوظ است.

شماره ۱۳۵۵ - عنوان و نام: بگو چگونه دل از حسین کندي؛

نویسنده: محسن عباسی ولدی؛

ویراستار و مشاور ادبی: زهیر توگی؛

مشخصات نشر: قم: آیین فطرت؛

مشخصات ظاهری: ۱۱۲ صفحه؛

فروست: حسینیه واژه‌ها؛

از کودکی با «یا حدین» در دلمان حسینیه ساختم؛ ۲.

شابک: ۷-۵۶-۸۰۳۱-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: چاپ قبلی: جامعة الزهراء علیه السلام، ۱۳۹۲.

یادداشت: بالای عنوان: یا زینب صبور؛

بگو چگونه دل از حسین کندي.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۱۱-۱۱۲.

عنوان دیگر: یا زینب صبور: بگو چگونه دل از حسین کندي.

عنوان دیگر: حکایت زینب علیه السلام بانوی مظلوم مقتدر.

موضوع: زینب علیه السلام بنت علی علیه السلام، ۶-۶۶۲ق.

موضوع: Zeynab, Bent Ali

موضوع: نشر فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Persian prose literature -- 20th century

رده بندی کنگره: PIRA۱۴۸

رده بندی دیویی: ۸۸۴/۸۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۷۸۹۴۷۶۲

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

خیال تو حسن جاماندگی به ما می دهد. در مجلسی که
در پیشگاه اهل حرم و در کنار سر نوزانی حسین علیه السلام،
شراب نوشیده می شد، این تو بودی که فریاد برآوردی و
کاغذ را بر سر یزید آوار کردی. در دم آخر، مسلمان شدی و بر
لبت علیه السلام شد؛ سر حسین علیه السلام را به آغوش کشیدی و
لبت بوسه چسبید و شربت برای حسین علیه السلام روی
گونه ات غلتید و در همین حال استیغ دشمنی جان
دادی که قاتل حسین بود. تردید ندارم که در آن لحظه
زینب علیه السلام بدرقه ات کرد تا جحشت.

تقدیم به سفیر روم

فدائی حسین علیه السلام در مجلس یزید!

فهرست

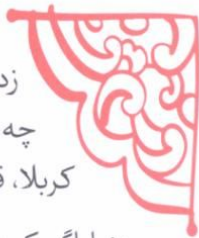
مقدمه	۹
پرده اول: کربلا	۱۳
پرده دوم: کوفه	۲۹
پرده سوم: شام	۴۷
پرده چهارم: مجلس یزید	۶۱
پرده پنجم: از شام تا مدینه	۸۵
پرده ششم: باز هم کربلا	۸۹
پرده هفتم: زبان حال بانو	۹۳
ارجاعات	۱۰۳
منابع	۱۱۱

مَقَرَّمه

www.ketab.ir

خواستم فقط یک لحظه کربلا را بدون زینب علیها السلام تصوّر کنم،
کربلا از ذهنم رخت بست. فهمیدم کربلا بدون زینب علیها السلام
حتّی در فرض هم نمی‌گنجد.

کربلا قلب عالم است، اگر پلک بر هم
زدنی از تپیدن بایستد، دنیا می‌میرد. اما
چه کسی تردید دارد که رازِ تداوم تپش قلب
کربلا، قهرمان نام‌آوری به نام زینب علیها السلام است؟



دنیا اگر کربلا نداشت، معنا نداشت و کربلا هم اگر
زینب علیها السلام نداشت، بقا نداشت.

چه زیبا! خدا معناداری عالم را بسته به میدان‌داری یک
زن کرده است. اما کدام زن؟ شیرزنی که جنگیدن و عفت
ورزیدن را چنان همراه کرد که دیگر کسی به بهانه عفت، از
جنگ غافل نشود و یا به بهانه رزمیدن، دور عفت ورزیدن را
خطا و زندقه نشمارد.

زنی که مردان عالم در برابر عزّت او احساس ذلت می‌کنند.
شیرزنی که اقتدارش منتهی قدیمی مظلومیت و خواری
را قطع کرد. او مظلومیت و اقتدار را که فرسنگ‌ها از هم
فاصله گرفته بودند، کنار هم نشان داد و حجّت خدا شد بر
همه عالم تا هیچ کسی مظلوم واقع شدن را توجیهی برای
ظلم‌پذیری نداند.

قهرمان کربلا زیبایی مصیبت را چنان به جلو درآورد که
دیگر کسی بهانه‌ای برای شکوه از بلا نداشته باشد.

وای بر ما! در ذهن خویش تصویر زنی ضعیف از او ساخته‌ایم
که نالیدن کار اصلی اوست و سال‌ها پای این تصویر
خودساخته به گریه نشسته‌ایم.



چنین نقشی، چه نسبتی دارد با واقعیت بانوی مظلوم مقتدر کربلا، زینب علیها السلام ؟

باید برای زینب علیها السلام کربلا، خون گریه کرد، باید فریاد کشید و ضجه زد! اما اگر اشک‌ها آینه شکوه حماسه این بانو نباشند، باید از گریه‌های جاهلانه‌مان استغفار کنیم.

حکایتی که پیش روی شماست، روایت مظلومیت و اقتدار است، قصه بانویی که قرن‌هاست پیکر آسمانی‌اش زیر خاک پنهان است؛ اما خورشید عالم افروز عصمتش، به راه بندگی می‌تابد و کسی در سیاه‌بازار پر از مکر این عالم، راه را گم نکند.

محمّد حسی و لدی
قم، شهر بانوی کرامت
مهرماه ۱۳۹۲
ذی القعدة ۱۴۳۴